

اولویت‌بندی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی با استفاده از رویکرد ساختاری تفسیری (ISM)

مریم حکمت‌پور*
سیدرضا صالحی‌امیری**
عباس عرب‌مازار***
عباسعلی قیومی****
علی‌اکبر رضایی*****

چکیده

ایران اسلامی در راستای دستیابی به اهداف انقلابی خود با مشکلات و چالش‌های اقتصادی مواجه بوده که برای حل آنها راهکار اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر معظم انقلاب ارائه شده است. اولویت‌بندی شاخص‌های اقتصاد مقاومتی اقدامی است که چنانچه به آن خوب توجه شود موجب خواهد شد که سیاست‌گذار با درک بهتری از شرایط، برنامه‌ریزی درستی کند و تصمیم مناسبی بگیرد. این مقاله جزء پژوهش‌های کاربردی است و با هدف شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های اقتصاد مقاومتی با استفاده از «تکنیک مدلسازی ساختاری تفسیری» انجام شده است.

این روش از جمله روش‌های تجزیه و تحلیل سیستم‌هاست که به بررسی تعاملات میان عناصر سیستم می‌پردازد. به منظور خوشه‌بندی شاخص‌های اقتصاد مقاومتی نیز از روش «میک مک» استفاده شده است. از آنجایی که این روش مبتنی بر نظر خبرگان است، از نظرات افراد خبره و صاحب‌نظر در زمینه اقتصاد استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که «مردمی کردن اقتصاد»، «اقتصاد دانش‌بنیان»، و «کاهش وابستگی به نفت و گسترش صادرات غیرنفتی» از اهمیت بالاتری در میان مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی برخوردار می‌باشند.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، مدلسازی ساختاری تفسیری، اولویت‌بندی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی

* دانشجوی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، گروه مدیریت امور فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
m_hekmatpour@yahoo.com
** دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشکده مدیریت و اقتصاد، تهران ایران (مسئول مکاتبات)
Dr.salehiamiri@gmail.com
*** دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده اقتصاد، تهران، ایران
ab_arabmazar@sbu.ac.ir
**** دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، دانشکده مدیریت، تهران، ایران
ghaiyoomi@gmail.com
***** استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشکده مدیریت و اقتصاد، تهران، ایران
dr.rezaei50@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

جمهوری اسلامی ایران از کشورهای در حال توسعه است که از ابتدای انقلاب با ماهیتی تجدیدنظرطلب، نگرشی انتقادی نسبت به ساختارها و سیاست‌های کلان حاکم بر کشورهای سلطه‌طلب و سازمان‌های بین‌المللی داشته است؛ از این رو غرب و در رأس آنها آمریکا برای مقابله با این انقلاب ضد نظام سلطه از ابزارهای گوناگونی چون جنگ سخت در قالب تجهیز کامل و حمایت نظامی از عراق در جنگ تحمیلی، حمایت از منافقین و جدایی‌طلبان، تحریم‌های نظامی و... استفاده کرده‌اند.

به دنبال ناکامی در ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی ایران و دستیابی به اهداف کلان منطقه‌ای خود، اینان در آخرین گام، تحریم‌های شدید مالی-اقتصادی را به‌عنوان پاشنه آشیل جمهوری اسلامی ایران در دستور کار خود قرار داده‌اند. به دنبال تحریم‌های گسترده کشورهای غربی علیه کشور، طی جلسه‌ای با جمعی از کارآفرینان و نخبگان کشور در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۶ راهکاری تحت عنوان اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر انقلاب، برای بهبود شرایط رفاهی کشور و خنثی کردن تهدیدات مخالفان نظام در ساختار کلان سیاسی-اقتصادی ایران، مطرح شد و با در نظر گرفتن موقعیت و شرایط داخلی و بین‌المللی در ساختار سیاسی-اقتصادی ایران، رویکرد اقتصاد مقاومتی در ساختار کلان کشور مبنای قرار داده شد.

برای تبیین و فهم اقتصاد مقاومتی باید توجه کرد که اقتصاد مقاومتی قبل از علم، دین و نقل، یک مفهوم عقلی است، با نگاهی به تجربه دیگر اقتصادهای دنیا، متوجه خواهیم شد که تمام آنها نیز همواره سعی در مقاوم‌سازی بافت‌ها و ساختارهای خویش داشته‌اند و این امر با تکامل دانش همواره در مسیر خود رو به پیشرفت بوده است؛ از این رو در نگرش دینی نیز بسیار بر آن تأکید شده است (تقی‌لو و اسدی، ۱۳۹۴).

فرهنگ معین اقتصاد را از نظر لغوی به معنای میانه نگه داشتن، به اندازه خرج کردن، و تعادل در دخل و خرج معرفی کرده است و نیز علم اقتصاد را یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی معرفی می‌کند که مربوط به کیفیت دخل و خرج و چگونگی روابط مالی افراد در جامعه با یکدیگر و اصول و قوانینی است که با رعایت آنها رفاه و سعادت افراد بشری حاصل می‌شود.

واژه مقاومت از فعل ثلاثی «قام» گرفته شده است که به معنای به پا خواستن و پایدار ماندن است. فرهنگ معین مقاومت را از نظر لغوی به معنای ایستادگی و برابری کردن معرفی می‌کند و از نظر اصطلاحی آن را مبادرت به نبردی تدافعی و وضعیتی می‌داند که فرماندهی آن را موضع مقاومتی معرفی می‌کند. به عبارتی پایداری در برابر چیزی که توازن را از بعد داخلی و خارجی بر هم زده است.

در سطح بین‌المللی اقتصاد مقاومتی مفاهیم و تعریف‌های گوناگونی را به خود اختصاص داده است و در قالب مفاهیم و اصطلاحات دیگر اما نزدیک و نسبتاً مترادف با آن تشریح شده است، برای مثال، بریگوگلیو و همکاران از اصطلاحی به نام تاب‌آوری اقتصادی^۱ استفاده کرده‌اند که اصطلاح تاب‌آوری اقتصادی را به دو مفهوم به‌کار برده‌اند: نخست، توانایی اقتصاد برای بهبود سریع از شوک‌های اقتصادی تخریب‌کننده خارجی و دوم، توانایی اقتصاد برای ایستادگی در برابر آثار این شوک‌ها.

توانایی ایستادن در برابر شوک‌ها هنگامی متصور است که شوک‌ها یا خنثی یا ناچیز باشد. به‌طورکلی تاب‌آوری اقتصادی به توان یک سیستم برای بهبودی و خروج از شوکی پایدار معنی شده است که از قبل برای وی ساخته‌اند و در آینده برای وی خواهند ساخت (روزت، ۲۰۰۸).

اقتصاد مقاومتی نوعی اقتصاد اسلامی است که ریشه در جهان‌بینی توحیدی دارد و مقوله‌های مادی، معیشت و معنویت را در یک مقوله و الگوی توازنی خاص تفسیر و دنبال می‌کند؛ ازاین‌رو این رویکرد معتقد است ما در جهانی زندگی می‌کنیم که دشمن در عرصه‌های مختلف حضور دارد. یکی از این عرصه‌ها، فعالیت اقتصادی با محورهای رقابتی، تعاملی و تخصصی، در یک محیط آنا‌رشی و منافع‌محور صرف است؛ پس معتقد است جهت نیل به اهداف کشور و دفاع از هویت و حیثیت خود باید برنامه‌ریزی و استراتژی‌های کلانی مطابق با اهداف و هنجارهای بومی در دستور کار قرار گیرد.

این اصل که مبتنی بر یک سری تعاریف، شاخصه‌ها و سیاست‌ها براساس شرایط تدوین شده است، انعطاف‌پذیری و اقتدار هم‌زمان برای دور زدن تحریم‌ها، ارتقاء ظرفیت تحمل سختی و فشار در درون اقتصاد ملی در قالب مقاومت اقتصادی را در دستور کار قرار داده است (دانش جعفری و کریمی، ۱۳۹۴). بر مبنای عقلانیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور و با توجه به ظرفیت‌های فراوان مادی و معنوی کشور مقام معظم رهبری مؤلفه‌های ذیل را به‌عنوان بستری مناسب برای دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی بیان می‌کنند:

- ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان اقتصاد مقاومتی؛
- توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا؛
- تکیه بر ظرفیت‌های داخلی؛
- رویکرد جهادی؛

1. Economic Resilience

2. ROSET

- مردم‌محوری؛

- کاهش وابستگی به درآمد فروش نفت؛

- اصلاح الگوی مصرف؛

- دانش‌محوری (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲)

مسئله‌ای که در این میان وجود دارد آن است که اقتصاد مقاومتی مفهومی تازه‌بنیاد در ادبیات علمی و اقتصادی است و تصور دقیق و نظام‌مندی از اجزاء، ابعاد و مؤلفه‌های آن وجود ندارد. در نتیجه سیاست‌گذاران نمی‌دانند که برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی باید از کجا آغاز نمایند؛ به‌دیگرسخن، اگرچه این شناخت اجمالی از اقتصاد مقاومتی وجود دارد که مفاهیمی همچون اقتدار، تاب‌آوری، دانش‌بنیانی و... در نهاد آن است، اما ارتباط این مفاهیم با یکدیگر و تقدم و تأخر آنها نسبت به همدیگر روشن نیست تا بتوان مسیر پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی را به درستی ترسیم نمود.

به‌دیگرسخن، تاکنون مدلی در خصوص اقتصاد مقاومتی ترسیم نشده است که ارتباط ساختاری میان مفاهیم گوناگون طرح شده را با یکدیگر تبیین نماید. هدف از نگارش این مقاله آن است تا با احصاء مفاهیم طرح شده ذیل اقتصاد مقاومتی، مدلی ساختاری را تدوین نماید که ارتباط میان این مفاهیم را ساختار بندی نموده و در نتیجه مسیر پیاده‌سازی این سیاست کلان را هموار نماید.

اگر این روابط مدل‌سازی نشود، ممکن است سیاست‌گذاران و مجریان سیاست‌های اقتصادی با دو مشکل روبه‌رو شوند: اول آنکه به واسطه توجه نکردن به تقدم و تأخر یا پیش‌نیازی در برنامه‌ریزی برای تحقق اقتصاد مقاومتی، عملکردشان عقیم مانده و ریشه نگیرد؛ دوم آنکه به واسطه عدم کلان‌نگری در روابط میان مفاهیم، بخشی از اجزای اقتصاد مقاومتی ناقص مانده و مورد توجه مناسب قرار نگیرد.

در این پژوهش پس از مرور تعاریف مفاهیمی که حول محور اقتصاد مقاومتی طرح می‌شود، روش مدل‌سازی ساختاری متناسب با تعریف مسئله ارائه شده و با دستیابی به مدل ساختاری این مفاهیم، نتایج نهایی ارائه خواهد شد (ردادی و همکاران، ۱۳۹۵).

مبانی نظری

تاب‌آوری اقتصادی

موضوع تاب‌آوری مقوله جدیدی در اقتصاد جهانی است که طی دو دهه اخیر مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و سیاست‌گذاران اقتصادی قرار گرفته و مطالب متعددی در مورد آن نگاشته شده است. از آن میان می‌توان به رز^۱ (۲۰۰۴، ۲۰۰۹، ۲۰۱۵)، رز و کروس من^۲ (۲۰۱۳)، گرینهم و نف^۳ (۲۰۱۳)، براد بریج^۴ (۲۰۱۴) و هاپکینز^۵ (۲۰۱۰) اشاره کرد.

تاب‌آوری اقتصادی در اوایل دهه ۱۹۷۰ در ادبیات علمی ظهور یافت (گوتز، فلمینگ و هانت، ۲۰۱۶). منظور کلی از تاب‌آوری اقتصادی توان یک سیستم اقتصادی به ادامه فعالیت در یک حد قابل قبول پس از بروز تکانه است (دانش جعفری، ۱۳۹۴). این مفهوم در ارتباط با عمده‌ترین مسئله اقتصادی قرار می‌گیرد که چگونگی تخصیص بهینه منابع به هنگام مواجهه با معضل کمیابی است. پس از وقوع تکانه، معضل کمیابی منابع تشدید شده و بیشتر از حالت عادی نمود پیدا می‌کند؛ از این رو لازم است منابع باقی‌مانده در راستای بهبودی شرایط اقتصادی، در نهایت کارایی مورد استفاده قرار گیرند. در این مفهوم، اقتصادی تاب‌آورتر است که بتواند از منابع باقی‌مانده پس از وقوع بحران، به صورت کاراتری بهره‌برداری کند.

هرچند در ادبیات اقتصادی تعریف جامع و مانعی از تاب‌آوری اقتصادی ارائه نشده است، اما در یک بیان کلی می‌توان چنین عنوان کرد که تاب‌آوری اقتصادی آنچنان ظرفیتی است که یک سیستم اقتصادی در مقابله با تکانه‌های کوتاه‌مدت داخلی و خارجی و همچنین تغییرات بلندمدت در وضعیت اجتماعی و اقتصادی و شرایط جوی در خود ایجاد می‌کند تا بتواند در هنگام وقوع تکانه در حد قابل قبولی روند رشد خود را ادامه دهد (نوفرستی، ۱۳۹۵).

پایداری اقتصادی^۶

وقوع یک تکانه موجب می‌شود تا به ظرفیت‌های موجود اقتصادی خسارت وارد شود؛ اما خسارت وارده به جریان تولید کالاها و خدمات و از دست دادن اشتغال و درآمد می‌تواند عمده‌تر از خسارات اولیه بوده باشد (رز، ۲۰۱۵). این نوع از خسارت درست از مقطع بروز تکانه آغاز

1. Rose

2. Rose & krausmann

3. Greenham & nef

4. Broadbridge

5. Hopkins

6. Economic Sustainability

می‌شود و تا زمانی تداوم می‌یابد که اقتصاد کاملاً بهبود نیافته است و یا به سطح تعادل جدیدی نرسیده است. ادبیات اقتصادی مفهوم پایداری را چنین بیان می‌کند که پایداری عبارت از قدرت یک سیستم به بازگشت به شرایط تعادل اولیه پس از مواجه شدن با یک تکانه موقت است. اقتصادی از پایداری برخوردار است که بتواند با بهره‌گیری از منابع باقی‌مانده پس از وقوع بحران، ظرفیت‌های تولیدی از دست رفته را به سرعت ترمیم و بازسازی کند. هرچه بازگشت به شرایط تعادل سریع‌تر و هرچه نوسانات کمتر باشد، سیستم پایدارتر است، لازم به توجه است که تاب‌آوری میزان تداوم ارتباط روابط در درون یک سیستم را تعیین می‌کند و شاخصی از قدرت سیستم به دفع تکانه‌های وارده بر متغیرهای سیستم و تداوم کارکرد مطلوب آن است (در ضمن با توجه به آنکه بعضی تعاریف تاب‌آوری شامل پایداری می‌شود، لذا از میان تعاریف مختلف این تعریف از تاب‌آوری انتخاب شده است)، حال آنکه پایداری عبارت از قدرت یک سیستم به بازگشت به شرایط تعادل اولیه پس از مواجه با یک تکانه موقت است.

در نتیجه، با توجه به تمایز ذکر شده، یک سیستم اقتصادی ممکن است تاب‌آور باشد؛ اما در مواجهه با یک تکانه، برای مدتی طولانی در شرایط عدم تعادل باقی بماند و به سطح تعادل پایدار گذشته بازنگشته یا در سطح پایین‌تری از قبل به تعادل برسد. پایداری اقتصادی از نظر کاجی تانی و تاتانو^۱ (۲۰۰۹) به منزله اقداماتی تلقی می‌شود که کمک می‌کنند تا اختلالات جانب کسب‌وکار پس از خسارات فیزیکی وارده به ساختارها تخفیف یابد. میزان اثربخشی این اقدامات را می‌توان توسط کاهش در زیانی اندازه‌گیری کرد که اگر این اقدامات صورت نمی‌گرفت حادث می‌شد.

اقتصاد مقاومتی: اقتصادی تاب‌آور و پایدار

بهترین و مناسب‌ترین تعریفی که می‌توان از اقتصاد مقاومتی ارائه کرد یک اقتصاد تاب‌آور و پایدار است؛ به‌دیگر سخن، هر دو مفهوم تاب‌آوری و پایداری مفاهیمی هستند که در قالب واژه اقتصاد مقاومتی جمع یافته‌اند. براساس این می‌توان گفت: اقتصاد مقاومتی آنچنان اقتصادی است که ظرفیت مقابله با نااطمینانی‌ها و تکانه‌های داخلی و خارجی، اعم از تکانه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بلایای طبیعی را در خود ایجاد کرده است و می‌تواند تحت وقوع شرایط دشوار، به روند رشد و شکوفایی خود در حد قابل قبولی ادامه داده و به سرعت به سوی تعادل پایدار اولیه بازگردد.

با توجه به تعریف پیش‌گفته، امر چگونگی تخصیص بهینه منابع محدود جامعه به اموری که

1. Kajitani and Tatano

چنانچه تکانه‌ای وارد شود کمترین آسیب رسانی را داشته باشد (تاب‌آوری اقتصادی)، به همراه مسئله چگونگی ترمیم خسارات تحمیل شده و بازسازی سریع ظرفیت‌های تولیدی به منظور بازگشت به شرایط تعادل اولیه (پایداری اقتصادی)، در مجموع اقتصاد مقاومتی را تشکیل می‌دهد. پیش از آنکه تعریف جامعی از اقتصاد مقاومتی ارائه شود باید دانست که حوزه یا گستره فراگیری اقتصاد مقاومتی تا کجاست. اقتصاد مقاومتی صرفاً محدود به گستره اقتصاد کلان نمی‌شود؛ یعنی قدرت مقاومت صرفاً محدود به تاب‌آوری محیط اقتصاد کلان و شاخص‌های مورد نظر آن یعنی رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و کنترل تورم نیست؛ بلکه گستره کارایی اقتصاد مقاومتی یا قدرت مقاومت یک اقتصاد می‌تواند از محدوده اقتصاد خرد همانند کوچک‌ترین واحد اقتصادی تا محدوده یا ابعاد جهانی مطرح شود. مسئله اصلی این است که هر قدر سطح مقاومت از کلان به خرد گسترده‌تر باشد، قدرت مقاومت پایدارتر می‌شود.

به‌طورکلی، برای اندازه‌گیری قدرت مقاومت یک اقتصاد از شاخص مقاومت یا تاب‌آوری اقتصاد^۱ استفاده می‌شود. این شاخص می‌تواند قدرت بالقوه مقاومت یک اقتصاد را نشان دهد. البته شاخص‌های دیگری هم برای اندازه‌گیری تاب‌آوری به‌کار می‌رود. یک شاخص معروف، شاخص ظرفیت مقاومت یا تاب‌آوری^۲ است. این شاخص ابعاد مختلفی دارد که اندازه‌گیری تمامی آنها ضرورت دارد. «فائو» نیز با محاسبه الگوی اندازه‌گیری و تحلیل شاخص تاب‌آوری^۳ و استناد به آن، نیاز کشورها را برای دریافت کمک در زمان بحران اندازه می‌گیرد. یکی از شاخص‌های شناخته شده که از سوی «بریگا گلیو»^۴ و همکارانش طراحی شده است، شاخص مقاومت و آسیب‌پذیری و تاب‌آوری اقتصادی^۵ است. نکته قابل توجه اینکه این شاخص در سال ۲۰۰۸ میلادی برای ۵۷ کشور جهان محاسبه شد (بریگا گلیو، ۲۰۱۴).

لازم به توضیح است در منابع معتبری که نویسنده در خصوص شاخص‌های مقاومت از آن بهره گرفته است، تنها به اصطلاح شاخص تاب‌آوری اشاره شده، اما این نکته نافی این مطلب نمی‌باشد که مقصود از اقتصاد مقاومتی همان اقتصاد تاب‌آور و پایدار است و خوانندگان محترم در مقالات بعدی در صورت وجود می‌توانند به شاخص‌های پایداری اقتصادی اشاره نمایند.

-
1. Resilience Index of Economy
 2. Resilience capacity Index
 3. Measurement and Analysis Model Resilience Index
 4. Briguglio
 5. Economic Vulnerability and Resilience

پیشینه و نوآوری

به‌طورکلی مقالات و پژوهش‌های متعددی درباره موضوع اقتصاد مقاومتی، چه در خارج و چه در داخل کشور انجام شده است که در جداول ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

جدول ۱: خلاصه‌ای از پیشینه پژوهش‌های خارجی در زمینه اقتصاد مقاومتی

نویسنده	سال	موضوع پژوهش
کوئینلن ^۱	۲۰۰۳	در مقاله‌ای به مفاهیم اقتصاد مقاومتی پرداخته و انعطاف‌پذیری را شامل میزان تغییراتی که یک سیستم می‌تواند تحمل کند و همچنان همان ساختار، کارکرد و هویت خود را اصالتاً حفظ کند، قابلیت خود سازماندهی داشته باشد، و ظرفیت یادگیری و تطابق خود را حفظ کند دانسته است.
کوتیس و کاپل ^۲	۲۰۰۵	به بررسی الگوهای چرخه‌های تجاری در کشورهای OECD پرداخته‌اند و انعطاف‌پذیری بازارهای مالی را عامل مهمی در افزایش مقاومت اقتصادی در این گروه از کشورها دانسته‌اند.
دوال و همکاران ^۳	۲۰۰۷	به بررسی سیاست‌های ساختاری و مقاومت اقتصاد به شوک‌ها در کشورهای OECD پرداخته‌اند. در این مقاله، واگرایی در مقاومت، به سیاست‌گذاری‌های متفاوت و نهادهای مختلف در حوزه نیروی کار، تولید و بازارهای مالی در این گروه کشورها ربط می‌یابد.
رز ^۴	۲۰۰۷	انعطاف‌پذیری (پویا) را سرعتی که یک موجود یا سیستم پس از شوک‌های شدید به منظور دستیابی به وضعیتی مطلوب، بازبازی و بهبود می‌یابد دانسته است و انعطاف‌پذیری ایستای اقتصادی را توانایی یک موجود یا سیستم برای حفظ کارکرد در هنگام وقوع شوک می‌داند.
هیل و همکاران ^۵	۲۰۰۸	به بررسی و معرفی مفاهیم مقاومت‌سازی اقتصادی منطقه‌ای پرداخته‌اند. در این مقاله، چهار مفهوم تعادل، مسیر وابستگی، چشم‌انداز بلندمدت در شناساندن مفهوم مقاومت بررسی شده است و روش کمی و کیفی را جهت عملیاتی کردن مفاهیم ارائه داده است.
دایلی و همکاران ^۶	۲۰۱۰	در دو بخش به بحث توسعه منطقه‌ای و محلی در مفهوم مقاومت پرداخته‌اند. ابتدا با انتقاد از مفهوم تعادل ایستای مقاومت، رویکرد مقاومت پویا در حوزه منطقه‌ای و محلی بررسی شده و نهایتاً با یک مطالعه موردی به نقش مداخلات سیاسی در ایجاد تغییر و شکل‌گیری مقاومت پرداخته است.
مارتین، برین و اندریاس	۲۰۱۱	در مقاله‌ای به موضوع فنریت اقتصادی یا تاب‌آوری اقتصادی پرداخته و این مفهوم را به معنای مقاومت کردن در مقابل اختلالات بزرگ بدون تغییر، بدون از هم پاشیدگی و بازگشت سریع به حالت عادی و تحمل کمترین انحراف در مواجهه با فشارها و تنش‌ها دانسته‌اند.
بریگو گلیو ^۷	۲۰۱۴	به موضوع ایجاد مقاومت‌سازی اقتصاد در کشورهای کوچک آسیب‌پذیر پرداخته است. مطابق با این مقاله اقتصادهای کوچک قادر به ایجاد مقاومت اقتصادی برای خنثی کردن آسیب‌پذیری‌های اقتصادی‌شان هستند. این آسیب‌پذیری به شرایط ذاتی اقتصاد در مواجهه با شوک‌های خارجی ارتباط می‌یابد.

1. Quinlan
2. Cotis and cople
3. Duval.et al
4. Rose
5. Hill, et al
6. Dawley, et al
7. Briguglio

جدول ۲: خلاصه‌ای از پیشینه پژوهش‌های داخلی در زمینه اقتصاد مقاومتی

نویسنده	سال	موضوع پژوهش
الهمراد سیف	۱۳۹۱	براساس بیانات مقام معظم رهبری الگوی اقتصاد مقاومتی را مؤلفه‌های رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فنریت اقتصادی، پیشنهاد کرده و راهبردهای چهارگانه مقابله، خنثی‌سازی، جذب و ترمیم را تشریح و مصادیق آنها را معرفی کرده است.
محمداصدق ترابزاده و همکاران	۱۳۹۲	با تحلیل سخنان رهبری معظم و با بهره‌گیری از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، مدل مفهومی سخنان ایشان پیرامون ابعاد، ویژگی‌ها و الزامات نقشه مهندسی اقتصاد مقاومتی را استخراج نموده‌اند.
مجید فشاری و جواد پورغفار	۱۳۹۳	ضمن تعریف و بیان مفهومی اقتصاد مقاومتی و همچنین شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن به ارائه راهکارهای مناسب برای ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی و راه‌حل مقابله با تحریم‌ها و همچنین تقویت توان و ظرفیت تولید داخلی پرداخته است.
داود دانش جعفری و سمانه کریمی	۱۳۹۳	با توجه به چشم‌انداز جهانی نفت، استفاده از نفت در بخش‌های حمل و نقل، صنعت به‌ویژه پتروشیمی، مصارف خانگی، تجاری و کشاورزی و تولید برق به جای فروش نفت خام، می‌تواند راهگشای کاهش وابستگی به نفت از راهبردهای اقتصاد مقاومتی باشد.
رضا نثاری و همکاران	۱۳۹۴	با توجه به نتایج تحقیق شهرداری‌ها بهتر است با مطالعه ساختار درآمدی و بر پایه اقتصاد مقاومتی، راهکارهای جدیدی را برای تأمین منابع درآمدی پایدار و مستمر به منظور ارائه خدمات مطلوب به شهروندان داشته باشند.
علی ردادی، سیدعلی محمد نجفی، امیر آذرفر	۱۳۹۵	با استفاده از روش تحلیل مضمونی، مفاهیم مرتبط با اقتصاد مقاومتی را از مجموعه بیانات مقام معظم رهبری استخراج کرده و جهت برقراری ارتباط میان این مفاهیم از روش الگوسازی ساختاری تفسیری (ISM) استفاده نموده است. یافته‌های تحقیق نشان داده است، اقتصاد دانش‌بنیان بنیادی‌ترین لایه مدل ساختاری-تفسیری اقتصاد مقاومتی می‌باشد.
محسن زنوزی و صادق‌وند	۱۳۹۶	نتایج تحقیق نشان داده است که شاخص‌های اقتصاد مقاومتی از جمله اقتصاد دانش‌بنیان، اصلاح الگوی مصرف، کاهش وابستگی به نفت و میزان مشارکت مردم در تصمیمات کلان نظام در بلندمدت و کوتاه‌مدت تأثیر معنادار و مثبت بر روی رشد اقتصادی دارند.
محمد سلطانی‌فر	۱۳۹۶	نتایج تحقیق نشان داده است که به منظور گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی، رسانه‌ها می‌توانند در مسیر ایفای نقششان تمامی مراحل خط‌مشی‌گذاری، هدف‌گذاری، راهبردهای، طراحی تکنیک‌ها و تاکتیک‌ها را با اتکاء به رویکردهای مندرج در ماهیت اقتصاد مقاومتی انجام دهند. بدین منظور از رویکردهای تبیینی، ترغیبی، ترویجی، هشدار می‌توانند استفاده کنند.
محسن بیات	۱۳۹۶	نتایج تحقیق نشان می‌دهد، ضعف و آسیب‌پذیری در سه حوزه وابستگی به سرمایه‌گذاری خارجی در بخش انرژی، وابستگی به صادرات نفت و واردات مواد پتروشیمی مهم‌ترین موانع اقتصاد مقاومتی هستند.
سیدمجید قاسمی	۱۳۹۷	در این مقاله به صورت کاربردی و خلاصه به تمامی ابعاد و آثار اجرایی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از جمله اصلاح مدیریت و نظام اداری، حمایت از ساخت داخل، تأکید بر فعالیت‌های دانش‌بنیان، جلب مشارکت عموم مردم، تقویت نهادهای مدنی و گفتمان‌سازی برای مقاومتی کردن اقتصاد پرداخته است.

در برخی از این پژوهش‌ها به نظامی مفهومی از اقتصاد مقاومتی اشاره شده است و سعی بر این بوده تا تفسیری روشن از مفهوم اقتصاد مقاومتی ارائه شود. بعضی دیگر از پژوهش‌ها به بررسی نقش اقتصاد مقاومتی در عرصه اجتماعی پرداخته و تأثیر اقتصاد مقاومتی بر پدیده‌های اجتماعی همچون نظام اقتصادی را تحلیل کرده و در برخی دیگر از پژوهش‌ها به پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی و ابزارهای آن اشاره شده است.

در پژوهش‌های یادشده اگر هم به اجزا و ابعاد اقتصاد مقاومتی اشاره شده باشد، پویایی‌های میان اجزا مد نظر نبوده است و صرفاً با مفهوم کل و تجزیه شده‌ای از اقتصاد مقاومتی روبه‌رو بوده است و یا آنکه صرفاً یک جزء در کانون توجه قرار گرفته و دیگر اجزاء و ابعاد مغفول واقع شده‌اند. تنها یک مقاله مشابه با مقاله حاضر وجود دارد که آقایان ردادی، نجفی و آذرفر تحت عنوان الگوسازی روابط ساختاری مفاهیم سازنده اقتصاد مقاومتی با استفاده از تکنیک (ISM) تألیف نموده‌اند که به مفاهیم سازنده اقتصاد مقاومتی با استفاده از رویکرد ساختاری-تفسیری پرداخته است، در عین حال این مقاله نیز از جهت تعیین مفاهیم و مؤلفه‌های اصلی، جامعه آماری و به‌ویژه نتایج، تفاوت‌های اساسی با مقاله حاضر دارد؛ اما تشابهاتی نیز دیده می‌شود؛ از جمله اینکه در هر دو مقاله از روش ISM و MICMAC جهت تفسیر نتایج استفاده شده و نتایج هر دو مقاله نشان داده است.

اقتصاد دانش‌بنیان جزء تأثیرگذارترین و بنیادی‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی می‌باشد. با توجه به اینکه ISM و MICMAC روشی است که روابط میان مفاهیم و تقدم و تأخر و تأثیرگذارترین مؤلفه تا نهایتاً تأثیرپذیرترین مؤلفه‌ها را مشخص می‌کند، بنابراین در این مقاله از این روش استفاده شده است تا سیر پیاده‌سازی مفاهیم به ترتیب معلوم شده و بتواند به برنامه‌ای منسجم تبدیل شود و ضمن ایجاد فهم بهتر و جامع‌تر از اقتصاد مقاومتی بتواند به‌عنوان برنامه‌ای راهبردی در اختیار مسئولان و سیاست‌گذاران قرار گیرد و مسیر دستیابی به این سیاست کلان را هموار نماید.

سؤال تحقیق

با عنایت به موضوع، پژوهش به دنبال پاسخ به سؤال زیر است:

با توجه به رویکرد تفسیری-ساختاری، اولویت مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی کدام است؟

روش تحقیق

از لحاظ هدف این تحقیق، کاربردی است (اعرابی و فیاضی، ۱۳۸۹). در واقع، رویکرد پژوهشی این مطالعه به لحاظ منطق گردآوری داده‌ها از نوع استقراء-قیاسی است. بدین منظور ابتدا با بررسی مبانی نظری و تئوریک تحقیق، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر در اقتصاد مقاومتی شناسایی و تدوین شده و بر مبنای رویکرد قیاسی تلاش می‌شود از طریق اجماع نخبگان شاخص‌ها و مؤلفه‌های تحقیق تأیید شود، سپس براساس روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری^۱ مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار در اقتصاد مقاومتی مشخص می‌شود.

1. ISM (Interpretive structural modeling)

ابزار گردآوری اطلاعات براساس بررسی مقالات و تحقیقات مشابه است (عمدتاً براساس بیانات مقام معظم رهبری) که با استفاده از امتیازبندی مؤلفه‌ها، شاخص‌های اقتصاد مقاومتی در نظر گرفته خواهد شد و نخبگان و صاحب‌نظران حوزه اقتصاد در مورد آن اظهار نظر می‌کنند. درخصوص انتخاب مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از ادبیات تحقیق و مد نظرات خبرگان استفاده می‌شود؛ یعنی اگر درخصوص یک مؤلفه اکثریت افراد بر اصلی بودن آن اتفاق نظر داشتند، آن مؤلفه به منظور تحلیل انتخاب و در خصوص مؤلفه‌هایی که اکثریت آراء بر عدم انتخاب آن باشد، آن عامل کنار گذاشته خواهد شد. چون تعداد نخبگان تحقیق زیاد نبوده و روش ISM در گروه روش‌های کیفی قرار دارد، استفاده از شاخص‌های مرکزی همچون میانگین برای انتخاب مؤلفه‌ها مناسب نمی‌باشد، به همین منظور از شاخص آماری مد استفاده خواهد شد. پس از تأیید معیارها توسط خبرگان، برای طراحی مدل تحلیل تفسیری-ساختاری از آنها استفاده می‌شود؛ به‌طوری‌که هر تعداد مؤلفه‌ای که با نظر ایشان به‌عنوان شاخص‌های مهم و تأثیرگذار اقتصاد مقاومتی تعیین شود، با قرار دادن آن مؤلفه‌ها در سطرها و ستون‌های ماتریس، مجدداً از کارشناسان خواسته می‌شود تا در خصوص اثرگذاری شاخص‌ها به‌طور زوجی اظهار نظر نمایند.

روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری یک فرایند یادگیری تعاملی است که در آن مجموعه‌ای از عناصر مختلف و به‌هم مرتبط در یک مدل نظام‌مند جامع، ساختاردهی می‌شوند (وارفیلد،^۱ ۱۹۷۴). این روش‌شناسی به ایجاد و جهت دادن به روابط پیچیده میان عناصر یک سیستم کمک می‌نماید (فایسال^۲ و همکاران، ۲۰۰۶). در نتیجه می‌توان گفت که مدل‌سازی ساختاری تفسیری نه‌تنها بینشی را در خصوص روابط میان عناصر مختلف یک سیستم فراهم می‌نماید، بلکه ساختاری را مبتنی بر اهمیت و یا تأثیرگذاری عناصر بر هم (بسته به نوع رابطه محتوایی تعریف شده) فراهم می‌نماید و نمایشی تصویری ارائه می‌کند. این روش، تفسیری^۳ است؛ زیرا قضاوت گروهی از افراد تعیین می‌نماید که آیا روابطی میان این عناصر وجود دارد یا خیر و همچنین ساختاری^۴ است؛ چون اساس روابط یک ساختار سرتاسری است که از مجموعه پیچیده‌ای از متغیرها استخراج شده است. این روش یک تکنیک مدل‌سازی است که روابط مشخص و ساختار کلی در یک مدل دیاگرام نشان داده می‌شود. روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری در حوزه‌های مختلفی استفاده شده است. ایده اصلی مدل‌سازی ساختاری تفسیری تجزیه یک سیستم پیچیده به

1. warfield

2. Faisal

3. Interpretive

4. Structural

چند زیر سیستم (عناصر) با استفاده از تجربه عملی و دانش خبرگان به منظور ساخت یک مدل ساختاری چندسطحی می‌باشد.

تحلیل میک مک^۱ (خوشه‌بندی معیارها)

به منظور بخش‌بندی معیارها، در ماتریس دسترسی نهایی باید برای هر یک از عناصر قدرت محرکه^۲ و قدرت وابستگی^۳ محاسبه شود. قدرت محرکه یک عنصر، تعداد معیارهایی است که متأثر از عنصر مربوطه می‌شوند. قدرت وابستگی نیز تعداد معیارهایی است که بر عنصر مربوطه تأثیر می‌گذارند و به دستیابی به آن منجر می‌شوند. این قدرت‌های محرکه و وابستگی در تحلیل ماتریس اثر ضرب ارجاع متقابل کاربردی (MICMAC) دسته‌بندی می‌شوند که در آن معیارها به چهار گروه خودمختار^۴، وابسته^۵، پیوندی^۶ و محرک^۷ تقسیم‌بندی می‌شوند. هدف از تحلیل ماتریس، تجزیه و تحلیل قدرت محرکه (اثرگذاری) و قدرت وابستگی (اثرپذیری) متغیرهاست.

همان‌طورکه پیش‌تر نیز ذکر شد، براساس بررسی مقالات و تحقیقات مشابه که عمدتاً براساس بیانات مقام معظم رهبری بوده است، مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی تعیین و امتیازبندی شد و صاحب‌نظران حوزه اقتصاد در مورد آن اظهار نظر کردند. در خصوص انتخاب نهایی ۶ مؤلفه اصلی که در جدول ۲ آورده شده است، از روش آماری مد نظرات نخبگان استفاده شده؛ یعنی مؤلفه‌هایی که اکثریت آراء بر اصلی بودن آن اتفاق نظر داشتند آن مؤلفه به منظور تحلیل انتخاب و در خصوص مؤلفه‌هایی که اکثریت آراء بر عدم انتخاب آن بود، آن عامل کنار گذاشته شد.

جدول ۳: شاخص‌ها و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی برگرفته از نظرات نخبگان

شاخص‌ها و مؤلفه‌ها	اقتصاد مقاومتی
حمایت از تولید ملی	
اشتغال پایدار	
کاهش وابستگی به نفت و گسترش صادرات غیر نفتی	
مردمی کردن اقتصاد	
اقتصاد دانش‌بنیان	
کاهش آسیب‌پذیری در مقابل خطرات و تهدیدها	

1. MICMAC (Impact Matrix cross-Reference Multiplication Applied to a Classification)
2. Driving power
3. Dependence power
4. Autonomous
5. Dependent
6. Linkage
7. Driver

جدول ۴: مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان تحقیق

مورد	جنسیت	سن	مدرک تحصیلی	سابقه شغلی	حوزه تخصصی	محل فعالیت
مشارکت‌کننده ۱	مرد	۵۵	دکتر	۲۰ سال	اقتصاد	عضو هیئت علمی دانشگاه
مشارکت‌کننده ۲	مرد	۶۰	دکتر	۱۹ سال	اقتصاد	عضو هیئت علمی دانشگاه
مشارکت‌کننده ۳	مرد	۳۸	دکتر	۱۵ سال	اقتصاد	عضو هیئت علمی دانشگاه
مشارکت‌کننده ۴	مرد	۴۶	دکتر	۱۷ سال	مدیریت و اقتصاد	عضو هیئت علمی دانشگاه
مشارکت‌کننده ۵	مرد	۳۹	دکتر	۱۳ سال	مدیریت و اقتصاد	عضو هیئت علمی دانشگاه

تشکیل ماتریس خود تعاملی ساختاری

در این مرحله نظر استادان متخصص و صاحب‌نظر در رشته اقتصاد، درباره رابطه بین شاخص‌ها مورد مقایسه قرار می‌گیرد. بدین منظور از شاخص آماری «مد» استفاده می‌شود؛ به گونه‌ای که از بین چهار گونه رابطه ممکن بین شاخص‌ها، رابطه‌ای که بیشترین فراوانی را از نظر متخصصان داشته باشد، در جدول نهایی منظور خواهد شد. با توجه به این موضوع ماتریس خود تعاملی ساختاری نهایی به شکل ذیل محاسبه می‌شود.

ماتریس مندرج در جدول ۴، یک ماتریس به ابعاد متغیرهاست که در سطر و ستون آن متغیرها به ترتیب ذکر می‌شوند. آنگاه روابط دو به دوی متغیرها توسط نمادهایی مشخص می‌شود. ماتریس خود تعاملی ساختاری براساس بحث و نظرات گروه متخصصان تشکیل می‌شود. برای تعیین نوع روابط، پیشنهاد شده است که از نظر خبرگان و کارشناسان براساس تکنیک‌های مختلف مدیریتی، از جمله طوفان فکری و تکنیک گروه اسمی استفاده شود (پناهی فر، ۱۳۹۶). برای تعیین نوع رابطه می‌توان از نمادهای مندرج در جدول ۳ استفاده کرد:

جدول ۵. روابط مفهومی در تشکیل ماتریس خود تعاملی ساختاری

نماد	مفهوم نماد
V	i منجر به j می‌شود (سطر منجر به ستون).
A	j منجر به i می‌شود (ستون منجر به سطر).
X	رابطه دو طرفه i و j وجود دارد
0	رابطه معتبری وجود ندارد

جدول ۶: ماتریس ISM

اقتصاد مقاومتی

کاهش آسیب‌پذیری در برابر تهدیدات داخلی و خارجی	اقتصاد دانش‌بنیان	مردمی کردن اقتصاد	کاهش وابستگی به نفت و گسترش صادرات غیرنفتی	اشتغال پایدار	حمایت از تولید ملی	
V	O	A	V	V		حمایت از تولید ملی
A	O	A	A			اشتغال پایدار
V	A	A				کاهش وابستگی به نفت و گسترش صادرات غیرنفتی
V	O					مردمی کردن اقتصاد
V						اقتصاد دانش‌بنیان
						کاهش آسیب‌پذیری در برابر تهدیدات داخلی و خارجی

مآخذ: نتایج تحقیق

تشکیل ماتریس دستیابی

در این مرحله با تبدیل نمادهای روابط ماتریس ساختاری به اعداد صفر و یک براساس جدول زیر می‌توان ماتریس دستیابی را تشکیل داد. نحوه تبدیل این نمادها در جدول ۵ بیان شده است. در واقع، این مرحله تحت عنوان به دست آوردن ماتریس ساختاری روابط درونی متغیرها (ISM) مشهور است.

جدول ۷: نحوه تبدیل روابط مفهومی به اعداد

نماد مفهومی	تبدیل نمادهای مفهومی به اعداد کمی
V	خانه مربوط به این زوج در ماتریس دستیابی عدد ۱ و خانه قرینه آن عدد ۰ قرار می‌گیرد.
A	خانه مربوط به این زوج در ماتریس دستیابی عدد ۰ و خانه قرینه آن عدد ۱ قرار می‌گیرد.
X	خانه مربوط به این زوج در ماتریس دستیابی عدد ۱ و خانه قرینه آن عدد ۱ قرار می‌گیرد.
O	خانه مربوط به این زوج در ماتریس دستیابی عدد ۰ و خانه قرینه آن عدد ۰ قرار می‌گیرد.

تعیین روابط بین متغیرها و تشکیل ماتریس مخروطی^۱

در این بخش به منظور تعیین روابط بین متغیرها ابتدا باید مجموعه خروجی، مجموعه ورودی و عناصر مشترک را شناسایی نمود. نمره تعیین سطح و اولویت متغیرها مجموعه دستیابی و مجموعه

1. Conical matrix

پیش نیاز برای هر متغیر تعیین می‌شود. مجموعه دستیابی^۱ هر متغیر شامل متغیرهایی می‌شود که از طریق این متغیر می‌توان به آنها رسید و مجموعه پیش‌نیاز^۲ شامل متغیرهایی می‌شود که بر طبق آنها می‌توان به این متغیر رسید. سپس اشتراکات مجموعه دستیابی و پیش‌نیاز همه عوامل تعیین می‌شود و در صورت یکسان بودن مجموعه دستیابی با مجموعه اشتراک آن عامل یا عوامل به‌عنوان سطح در نظر گرفته می‌شود. سطح اشاره به لایه‌های طراحی شده مدل نهایی دارد. برای به دست آوردن سایر سطوح باید سطوح قبلی از ماتریس جدا و فرایند تکرار شود. پس از تعیین سطوح دوباره ماتریس دریافتی را به ترتیب سطوح مرتب کرده، ماتریس جدید، ماتریس مخروطی نامیده می‌شود (آذر و همکاران، ۱۳۹۲).

جدول ۸: تعیین سطح شاخص‌های اقتصاد مقاومتی

شاخص	مجموعه دستیابی	مجموعه پیش‌نیاز	عناصر مشترک	سطح
۱. حمایت از تولید ملی	۱-۲	۱-۲-۳-۴-۵	۱-۲	۱
			۶	۱
۲. اشتغال پایدار	۳	۳-۴-۵	۳	۲
۳. کاهش وابستگی به نفت و گسترش صادرات غیر نفتی	۴	۴	۴	۳
			۵	۳
۴. مردمی کردن اقتصاد				
۵. اقتصاد دانش‌بنیان				
۶. کاهش آسیب‌پذیری در برابر تهدیدات داخلی و خارجی				

در جدول فوق چون هر ۶ مؤلفه در سه سطح قرار گرفتند، بنابراین سایر خانه‌های جدول خالی می‌ماند؛ یعنی مؤلفه‌های ۱ و ۲ در سطح ۱، مؤلفه ۳ در سطح ۲ و مؤلفه‌های ۴ و ۵ در سطح ۳ قرار گرفتند.

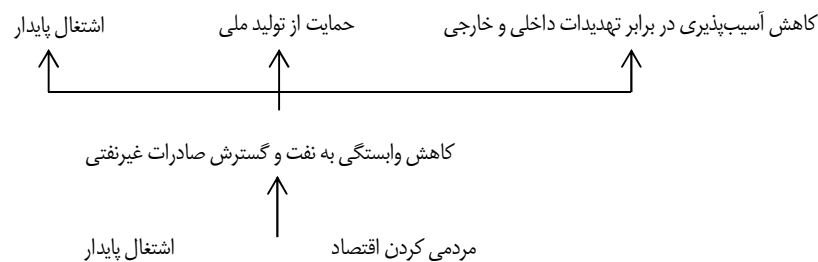
رسم مدل نهایی ساختار-تفسیری

در این مرحله با توجه به سطوح مؤلفه‌ها و ماتریس دسترسی نهایی، مدل تحقیق ارائه می‌شود. در این پژوهش مؤلفه‌ها در سه سطح قرار گرفته‌اند که در بالاترین سطح مؤلفه حمایت از تولید ملی، اشتغال پایدار و کاهش آسیب‌پذیری در برابر تهدیدات داخلی و خارجی قرار گرفته و در پایین‌ترین

1. Reachability set

2. Antecedent set

سطح مؤلفه مردمی کردن اقتصاد و اقتصاد دانش بنیان قرار گرفته است. عواملی که در سطح بالاتر قرار دارند تأثیرگذاری کمتری دارند و بیشتر تحت تأثیر عوامل سطوح پایین تر می باشند. در واقع مؤلفه های پایین تر به عنوان عوامل زیرساختی اقتصاد مقاومتی به شمار می آیند (پناهی فر، ۱۳۹۶).



نمودار ۱: ESM اقتصاد مقاومتی

تحلیل میک مک

پس از تعیین قدرت محرک یا اثرگذاری و قدرت وابستگی مؤلفه ها، می توان تمامی مؤلفه ها را در یکی از خوشه های چهارگانه روش ماتریس اثر ضرب ارجاع متقابل کاربردی قرار داد. بر روی ماتریس مورد نظر، نقاط مرزی معمولاً یک واحد بزرگتر از میانگین تعداد عوامل می باشند. نقاط مرزی باید به گونه ای باشد که به خوبی عوامل مختلف را در خوشه های مورد نظر تفکیک نماید. نتایج حاصل از تحلیل مؤلفه های اقتصاد مقاومتی نشان می دهد که شاخص های مردمی کردن اقتصاد و اقتصاد دانش بنیان جزء عوامل محرک هستند؛ یعنی دارای شدت اثرگذاری قوی و شدت اثرپذیری ضعیفی می باشند. همچنین، شاخص حمایت از تولید ملی و کاهش وابستگی به نفت و گسترش صادرات غیر نفتی جزء عوامل پیوندی هستند؛ یعنی دارای شدت اثرگذاری و اثرپذیری بالایی هستند. در ضمن شاخص اشتغال پایدار و کاهش آسیب پذیری در برابر تهدیدات داخلی و خارجی جزء عوامل وابسته هستند که دارای شدت اثرگذاری ضعیف و شدت اثرپذیری بالایی دارند. هیچ کدام از شاخص ها جزء عوامل مستقل شناخته نشدند.

قدرت نفوذ	6					
	5	4,5				
	4				3	1
	3					
	2					2
	1					6
		1	2	3	4	5

میزان وابستگی

نمودار ۲. تحلیل میک مک در اقتصاد مقاومتی

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش ابتدا با بررسی و مطالعه مقالات و پژوهش‌های پیشین در زمینه اقتصاد مقاومتی (عمدتاً در زمینه فرمایش‌های مقام معظم رهبری) و با استفاده از نظرات خبرگان، شش عامل مهم و مؤثر در اقتصاد مقاومتی شناسایی شد و سپس با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری عوامل شناسایی شده اولویت‌بندی شدند. با توجه به تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته، مؤلفه مردمی کردن اقتصاد و اقتصاد دانش‌بنیان جزء اثرگذارترین عوامل در فرایند اقتصاد مقاومتی شناخته شدند و مؤلفه کاهش وابستگی به نفت و گسترش صادرات غیر نفتی جزء عوامل میانی می‌باشد که دارای اثرگذاری و اثرپذیری متوسط است و سرانجام مؤلفه‌های حمایت از تولید ملی و اشتغال پایدار و کاهش آسیب‌پذیری در برابر تهدیدات داخلی و خارجی به‌عنوان اثرپذیرترین عوامل شناسایی شدند.

نتایج تحلیل میک مک هم دقیقاً با نتایج حاصل از روش ساختاری تفسیری برابری می‌کند؛ یعنی مؤلفه‌های مردمی کردن اقتصاد و اقتصاد دانش‌بنیان در گروه عوامل محرک هستند که دارای

شدت اثرگذاری بالا و اثرپذیری ضعیف می‌باشند. همچنین، مؤلفه‌های کاهش وابستگی به نفت و گسترش صادرات غیرنفتی و مؤلفه حمایت از تولید ملی جزء عوامل پیوندی هستند که هم دارای شدت اثرگذاری و هم اثرپذیری بالایی می‌باشند. درضمن مؤلفه‌های اشتغال پایدار و کاهش آسیب‌پذیری در برابر تهدیدات داخلی و خارجی نیز جزء عوامل وابسته هستند که دارای اثرپذیری بالا و اثرگذاری ضعیف می‌باشند. تنها تفاوت نتایج در مؤلفه حمایت از تولید ملی دیده می‌شود؛ به نحوی که در روش Ism فقط جزء عوامل اثرپذیر است؛ ولی در تحلیل میک مک هم جزء عوامل اثرگذار و هم اثرپذیر به شمار می‌آید که در جای خود به آن پرداخته خواهد شد. با توجه به نتایج تحقیق از آنجایی که مؤلفه مردمی کردن اقتصاد و اقتصاد دانش‌بنیان، مؤثرترین مؤلفه‌ها در فرایند اقتصاد مقاومتی شناخته شدند، ابتدا به بحث در مورد این دو مؤلفه پرداخته می‌شود.

مقام معظم رهبری (۱۳۹۲) در بخشی از سخنان خود در ارتباط با مردمی کردن اقتصاد می‌فرمایند: «این اقتصاد مقاومتی مردم‌بنیاد است، که با اراده مردم، سرمایه مردم و حضور مردم تحقق پیدا می‌کند، اما دولتی نیست، دولت در اینجا تنها مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، هدایت و کمک را دارد».

اگر بخواهیم اقتصاد ایران را از دولتی بودن خارج شود، باید بخش اصناف و تعاون را مانند دو بال در اقتصاد کشور در نظر گرفت. باید حلقه مفقوده تعاون و اصناف را پیدا کرد و این باعث اجرای سیاست اصل ۴۴ قانون اساسی، تأمین برنامه، زمینه مردمی کردن اقتصاد و سرعت رو به رشد توسعه در کشور می‌شود. کاهش تصدی‌گری دولت در اقتصاد از جمله مباحثی است که طی دهه‌های اخیر بارها به‌عنوان شاه کلید حل مشکلات بنیادین اقتصادی و بهبود شاخص‌های معیشتی از آن یاد شده است. باوجود این، تاکنون آن چیزی که از مردمی کردن اقتصاد تحت عنوان خصوصی‌سازی در فضای سیاست‌گذاری کشور مطرح شده است، این بوده که دولت آنچه تحت تصدی دارد را واگذار کند که همواره در اکثر موارد با شکست مواجه شده است.

درواقع، باید گفت که خصوصی‌سازی همه پازل مردمی کردن اقتصاد نیست. مردم برای حضور در اقتصاد اول باید انگیزه پیدا کنند (مایل شوند) و سپس توان پیدا کنند (قادر شوند). اینکه شرایط اقتصاد مناسب باشد، محل سرمایه‌گذاری وجود داشته باشد، سودآوری مناسب باشد و مواردی از این دست، مردم را مایل به حضور در اقتصاد می‌کند، بهبود فضای کسب و کار، کاهش ریسک‌ها، توانایی تأمین مالی و مواردی از این دست نیز جزء مواردی است که به توانمند کردن مردم جهت حضور در اقتصاد می‌انجامد. درواقع، نقش اصلی حاکمیت و دولت در مردمی کردن اقتصاد، تسهیل‌گری و سکان‌داری و هدایت و حمایت هوشمندانه است که تصدی‌گری دولت در حوزه‌های

مختلف، کاملاً برخلاف این اهداف است. در نتیجه حاکمیت باید افزون بر ایجاد شرایط حضور مردم در اقتصاد که سبب ایجاد انگیزه آنها می‌شود، به توانمندسازی مردم نیز بپردازد؛ زیرا اگر مردم توان نقش‌آفرینی در اقتصاد را نداشته باشند، نمی‌توانند حضور مؤثری داشته باشند.

در اقتصاد مردمی حوزه ارزش‌ها و فرهنگ که سرانجام سازنده رفتارهاست به علاوه کنش‌های بازاری، باید در راستا و همسو با مقاومت اقتصادی قرار گیرد. اقتصاد مردمی، آن است که در آن مردم به جای نقش منفعل و یا مخرب در فرایند توسعه و پیشرفت، نقشی فعال و سازنده داشته باشند. در اقتصاد مردمی، مردم در نقش‌های مختلف اقتصادی در جهت اقتصاد مقاوم و پیشرفت همه جانبه حرکت می‌کنند و ارزش‌های حاکم بر جامعه و فرهنگ اقتصادی مردم در راستای اهداف ملی قرار می‌گیرد.

به‌دیگرسخن، ارزش‌ها و فرهنگ ویژگی‌های خاصی پیدا می‌کند که هماهنگ، همراستا و مقوم کنش‌های بازار است. به‌طور مثال «در نقش مصرف‌کننده»، فرهنگ مصرف دور از اسراف و تبذیر، مصرف کالاهای ساخت داخل، فرهنگ اهمیت به کار و تلاش مولد و تقبیح فعالیت‌های رانت‌جویانه و دلالی، فرهنگ انتخاب صحیح رفتارهای اقتصادی و... در زمره شاخص‌ها و ارزش‌های اقتصاد مردمی قرار می‌گیرد. همچنین، در جایگاه تولیدکننده نیز فرهنگ اقتصادی ارزش‌های حاکم بر خلیقات مردم در حکم کاتالیزور و مصلح اقتصادی عمل می‌نماید و منافع ملی را بر منافع شخصی و مقطعی ترجیح می‌دهد تا از رهگذر تغییرات نهادی سطوح خرد و میانه بخش خصوصی پویا، توانمند، فعال و تولیدات با کیفیت ملی سمت عرضه و تولید کلان اقتصاد مردمی محقق شود (سرخه‌دهی و نادری‌نژاد، ۱۳۹۵).

یکی دیگر از مباحث مهم در بحث مردمی کردن اقتصاد لزوم توجه به موضوع کارآفرینی و توسعه آن با توجه به جمعیت جوان کشور و مشکل بیکاری آنان می‌باشد. بحث کارآفرینی در کشور ما با چالش‌های عمده‌ای روبه‌رو می‌باشد که از جمله آنها می‌توان به محدود بودن مراکز حمایت از کارآفرینان، وجود ریسک بالای سرمایه‌گذاری در کشور و تحمل بار آن توسط کارآفرینان، پایین بودن توان رقابتی کارآفرینان داخلی در برابر شرکت‌های خارجی، ضعف در فراهم کردن بسترهای حمایتی از کارآفرینی نظیر نارسایی معافیت‌های مالیاتی، ضعف تأمین اجتماعی، و... اشاره کرد.

از جمله راهکارهایی که در موضوع توسعه کارآفرینی می‌توان از آن نام برد: تعیین سیاست‌ها، اهداف، روش‌ها و الگوهای مناسب و اجرای برنامه‌های حمایتی و تشویقی، مداخله مؤثر دولت برای توسعه کارآفرینی، استفاده از تجارب جهانی با توجه به ساختار سرمایه انسانی مستعد، حذف و کاهش محدودیت‌ها و موانع کارآفرینی، ارائه تسهیلات مالی در زمینه ایجاد کسب و کار، تعیین

سازمان‌ها و نهادهای متولی برای توسعه کارآفرینی و نظارت مستمر بر آنها می‌باشد. به‌طورکلی اگر خواسته باشیم به سیاست‌های اجرایی شدن اقتصاد مردمی اشاره‌ای داشته باشیم، می‌توانیم موارد ذیل را مورد تأکید قرار دهیم:

- استفاده از نیروهای مردمی در پیشبرد سیاست‌های اقتصادی نظام در خنثی‌سازی و مقابله با اقدامات دشمن؛
- اجرای کامل سیاست‌های اصل ۴۴ با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هرچه بیشتر و ایجاد زمینه‌های لازم برای حضور پررنگ بخش خصوصی در اقتصاد و مردمی کردن اقتصاد؛
- تحقق اقتصاد مردمی به‌عنوان رکن مهم اقتصاد مقاومتی که با ورود مردم (به خصوص جوانان مومن و خلاق ایران اسلامی) به این عرصه از ورود رانت‌خوارها به اقتصاد جلوگیری به عمل می‌آید و تحولات مثبت در این عرصه بروز پیدا خواهد کرد؛
- مشارکت بخش خصوصی در مهار بازار کالاها به‌ویژه کالاهای اساسی؛
- توجه ویژه به کارآفرینی با استفاده از تمام ظرفیت‌های موجود در اقتصاد کشور.
- رسانه‌ها هم با توجه به رسالت اصلی‌شان که فرهنگ‌سازی می‌باشد، می‌توانند در موارد زیر نقش خود را ایفا نمایند:
- فرهنگ‌سازی در حوزه اصلاح الگوی مصرف به‌عنوان نقطه شروع طرح‌ریزی اقتصاد مقاومتی از طریق ابزارهای رسانه‌ای و سوق به سمت کالاهای تولید داخل؛
- فعالیت رسانه‌ای در حوزه عادت‌های نادرست اقتصادی ایرانی‌ها (فرهنگ کار، مصرف کالاهای خارجی و...)
- ترویج فرهنگ قناعت و ترغیب مردم به صرفه‌جویی در شرایط فعلی؛
- متقاعد کردن مردم برای تحریم کالاهای تولید خارج و استفاده از کالاهای مشابه داخلی؛
- تقویت فرهنگ جهادی در تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، اشتغال مولد و... (شعبانی و نخلی، ۱۳۹۳).

یکی از صنایع مردم‌نهاد که در بحث اقتصاد مقاومتی باید مورد توجه قرار گیرد صنایع دستی می‌باشد. صنایع دستی ایران به‌عنوان صنعتی مستقل و بومی، شاخص‌ترین هنر کاربردی ایران و یکی از سه قطب برتر صنایع دستی جهان، ریشه‌های عمیق و استوار در فرهنگ غنی و بارور ایران اسلامی داشته است. جالب توجه است رتبه اول صادرات غیرنفتی در سال ۹۶ به صنایع دستی اختصاص یافته است. هم‌اکنون بیشترین میزان رشد در سبد صادرات کالاهای غیر نفتی کشور در کنار خشکبار، محصولات کشاورزی و لبنی به صنایع دستی اختصاص دارد. این در حالی است

که با توجه به ظرفیت دو میلیارد دلاری ایران در بخش صنایع دستی در سال و با توجه به فرهنگ غنی و آداب و رسوم متنوع در ایران، کم‌توجهی و حمایت نکردن از متولیان این عرصه و همین‌طور قیمت بالای تمام‌شده محصولات و قابلیت رقابت کم، باعث شده تا دیگر کشورها همچون چین، هند و پاکستان در این رقابت از ما پیشی بگیرند و بازار جهانی را به مصادره خود در آورند.

اگر بنا باشد تا از این قطب به‌عنوان عاملی برای کارآفرینی و رشد اقتصادی و حفظ فرهنگ کشور برای سالیان متمادی یاد شود، باید توجه خود را به عوامل مهمی در رشد این صنعت معطوف کنیم که از جمله آنها تقویت نهادهایی همچون اتحادیه صنایع دستی، تعاونی‌ها و شرکت‌های مردم‌نهاد از طرف دولت برای حمایت و سرمایه‌گذاری در این بخش و یا فراهم نمودن تسهیلات زیرساختی و ارتباطی جهت سهولت در تأمین و فروش محصول می‌باشد.

براساس نتیجه تحقیق یکی دیگر از مؤلفه‌های اساسی در فرایند اقتصاد مقاومتی اقتصاد دانش‌بنیان می‌باشد. صناعی دانش‌بنیان هستند که در آنها سطح بالای سرمایه‌گذاری در نوآوری و ابداعات جدید صورت گرفته و تولید و توزیع و کاربرد دانش عامل و محرک اصلی رشد اقتصادی و تولید ثروت و اشتغال در همه صنایع است. شرکت و مؤسسه دانش‌بنیان شرکت یا مؤسسه خصوصی یا تعاونی است که به منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش‌محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی (شامل گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری و تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه (شامل طراحی و تولید کالا و خدمات)، در حوزه فناوری‌های برتر و با ارزش افزوده فراوان به‌ویژه در تولید نرم‌افزارهای مربوط تشکیل می‌شود. یکی از مواردی که در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ در این ارتباط اشاره شده «تلاش برای دستیابی به اقتصاد متنوع و متکی بر منابع دانش و آگاهی، سرمایه انسانی و فناوری نوین» می‌باشد. در اقتصاد دانش‌بنیان بالغ بر $\frac{2}{3}$ از رشد اقتصادی ناشی از نوآوری‌های فناورانه است. اگر خواسته باشیم برآوردی از شاخص‌های اقتصاد دانش‌بنیان در سال‌های اخیر در کشورمان داشته باشیم به‌عنوان مثال تعداد ثبت‌نام‌شدگان و فارغ‌التحصیلان آموزش عالی افزایش چشمگیری در دهه ۹۰ نسبت به دهه ۸۰ نشان می‌دهد و یا سهم ایران در انتشارات علمی در خاورمیانه در سال ۱۳۸۴، $\frac{14}{8}$ ٪ بوده که در سال ۱۳۹۴ به $\frac{28}{6}$ ٪ رسیده است و رتبه ایران در جهان نیز از حیث انتشارات علمی از ۳۴ به ۱۶ رسیده است.

همچنین، تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان از ۵۲ شرکت در اسفند ماه ۱۳۹۲ به ۲۷۳۲ شرکت تا سال ۹۵ افزایش یافته است. این شرکت‌ها موجب ایجاد ۷۰ هزار شغل و کسب $\frac{6}{6}$ میلیارد دلار درآمد شده‌اند. صادرات دانش‌بنیان (کالاهای با فناوری پیشرفته و متوسط رو به بالا) نیز از $\frac{1}{5}$ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۳ به $\frac{12}{1}$ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۳ رسیده است (برگرفته از گزارش معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، ۱۳۹۶).

در شرایط فعلی برخی از نهادهای اصلی فعال در نظام نوآوری بر تولید تأکید بیشتری دارند؛ ولی توجه کافی به توسعه ظرفیت نوآوری و نقش مهم آن در رقابت‌پذیری شرکت‌ها و صنایع در بازار داخلی و یا صادرات به خارج از کشور، هم‌زمان با اتصال مجدد ایران به اقتصاد جهانی ندارند. لازم است نهادهای پر قدرت اقتصادی نظیر شورای عالی اقتصاد و وزارت امور اقتصادی و دارایی و... به گسترش ظرفیت علم، فناوری و نوآوری به‌عنوان پایه ایجاد اقتصاد رقابتی در سال‌های آتی توجه بیشتری نشان بدهند.

با وجود پیشرفت‌های صورت گرفته، ایران در بخش‌های مختلف از جمله بهره‌وری، بهبود محیط کسب و کار، نوسازی زیرساخت‌های قدیمی (به‌ویژه در بخش انرژی و حمل و نقل)، تثبیت تورم، تحریک رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و افزایش سرانه تولید ناخالص داخلی با چالش مواجه است. با برخورداری از زیرساخت گسترده فناوری اطلاعات و ارتباطات، حمل و نقل و انرژی و بازار بزرگ داخلی، باید تلاش‌ها به سمت افزایش بهره‌وری از طریق علم، فناوری و نوآوری و بهره‌برداری از نیروی کار ماهر هدایت شود.

ایران نیازمند افزایش سریع بهره‌وری، بروزرسانی صنایع و تقویت ظرفیت نوآوری است که موجب شود در فرایند اتصال مجدد به اقتصاد جهانی، توانمندی صنایع بومی تضعیف نشده و این فرایند، بیشترین فواید را برای کشور داشته باشد. ایران از توانایی بالقوه بالایی برای توسعه ظرفیت علم، فناوری و نوآوری و بهره‌برداری از آن در جهت پشتیبانی از توسعه پایدار برخوردار است. تحقق این توانایی بالقوه مستلزم اصلاحات سیاستی است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تثبیت گفتمان علم و فن‌آوری و اصلاح فرهنگ اقتصادی و علمی جامعه به‌عنوان زیرساخت اساسی و الزام برای موفقیت کشور در عرصه اقتصاد دانش‌بنیان و دستیابی به اهداف نظام در حوزه گذار از اقتصاد نفتی به اقتصاد دانش‌بنیان و تحقق اقتصاد مقاومتی؛
- ترویج فرهنگ کسب و کار دانش‌بنیان و فرهنگ کارآفرینی و ارتقای توانایی علمی، فناوری و مهارتی افراد با تأکید بر نیازهای جامعه؛
- جریان‌سازی و تولید محتوا برای فضای مجازی، مرتبط با چرخه تجاری‌سازی، کارآفرینی و اقتصاد دانش‌بنیان.

در پژوهشی که شیرین مهربد در سال ۹۴ با عنوان «اقتصاد مقاومتی و دانش‌محوری» انجام دادند، شاخص اقتصاد دانش‌محور (KEL)^۱ در ایران مورد ارزیابی قرار گرفته و براساس این شاخص ایران جایگاه ۱۴ را احراز نموده است که با هدف بلندمدت کشور یعنی سند چشم‌انداز و

1. Knowledge Economy Index (KEL)

فرمایش‌های مقام معظم رهبری در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مبنی بر احراز رتبه اول اقتصاد دانش محور در منطقه فاصله زیادی دارد. این شاخص در سال (۲۰۱۲) در بین کشورهای منطقه یعنی ۲۱ کشور ارزیابی شده است که براساس نتایج، کشور امارات متحده عربی با KEL معادل ۶/۹۴ بهترین عملکرد را در منطقه در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان داشته است و در سطح بین‌المللی رتبه ۴۲ را به خود اختصاص داده است و کشور ایران با KEL معادل ۳/۹۱ رتبه چهاردهم منطقه و ۹۴ جهان را به خود اختصاص داده است. با وجود اینکه در سال‌های اخیر، ایران گام‌های بزرگی را در زمینه گسترش اقتصاد دانش محور برداشته است که از جمله آنها می‌توان به اکتشافات روزافزون در زمینه علوم پزشکی و انرژی هسته‌ای اشاره کرد، اما ارزیابی جایگاه کشور در بین کشورهای منطقه با استفاده از شاخص اقتصاد دانش محور بانک جهانی نشان می‌دهد که برای رسیدن به رتبه اول اقتصاد دانش محور در منطقه، باید استراتژی‌هایی تدوین شوند که به مسئله دانش محوری توجه کافی داشته باشند تا با انجام سرمایه‌گذاری کافی برای ایجاد ظرفیت‌های دانش محور همراه با افزایش بازدهی به‌کارگیری ظرفیت‌ها این مهم تحقق یابد.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که در فرایند اقتصاد مقاومتی هم تأثیرگذار است و هم تأثیرپذیر، مؤلفه کاهش وابستگی به نفت و گسترش صادرات غیر نفتی می‌باشد؛ یعنی با محقق شدن آن هم به رفع مشکلات اقتصادی نظیر افزایش تولید ناخالص داخلی، اشتغال‌زایی و کاهش آسیب‌پذیری‌ها کمک می‌کند و هم خود متأثر از عواملی نظیر سیاست‌گذاری‌های درست و منطقی مانند مردمی کردن اقتصاد و غیره می‌باشد.

یکی از خطرپذیرترین حوزه‌های اقتصاد ایران، وابستگی کشور به درآمدهای نفتی با توجه به تحریم‌های اخیر است. اگر به تحولات پس از تشدید تحریم‌ها در سال‌های اخیر توجه شود، ملاحظه می‌شود که با کاهش صادرات نفت، وضعیت تعادل درآمدی دولت بر هم می‌خورد. از طرفی با کاهش درآمدهای نفتی، ارز مورد نیاز کشور نیز با چالش روبه‌رو شده و لذا قیمت ارز به سه برابر افزایش می‌یابد. با افزایش قیمت ارز، تنگناهای مالی بنگاه‌ها افزایش می‌یابد؛ ولی مشکلات تأمین مالی دولت به مراتب از مشکلات بخش خصوصی بیشتر است.

با توجه به بررسی‌ها و مطالعات انجام‌شده در اقتصاد ایران در سال‌های اخیر و نیز چشم‌انداز جهانی نفت، به نظر می‌رسد باید جهت‌گیری برنامه‌های توسعه به سوی زمینه‌سازی برای جذب صنعت نفت در اقتصاد ایران باشد و خام‌فروشی نفت به فراموشی سپرده شود و به جای خام‌فروشی، با به‌کارگیری نفت در حمل و نقل، صنعت به‌ویژه پتروشیمی، مصارف خانگی و تجاری و تولید برق بهره برد و از طریق صادرات خودرو، پتروشیمی یا برق درآمدزایی کرد و بدین

ترتیب ارزش افزوده ایجاد نمود. باید اصلاحات مرحله‌ای را در ابتدا از کاهش وابستگی بودجه جاری دولت به نفت آغاز کرد و سپس مرحله به مرحله جذب نفت را در بخش صنعت داخلی افزایش داد. همچنین، ساختار درآمدی دولت را هم از حیث افزایش مقدار و هم کاهش نوسانات، ارتقاء داد و بنگاه‌های اقتصادی را به سمت ارتقای تولید هدایت کرد.

هدف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ایجاد بستر مناسب برای حرکت اقتصاد ایران در مسیر رشد پایدار است. برنامه‌ریزی بر مبنای اقتصاد مقاومتی ایجاب می‌کند با هرگونه عوامل برهم‌زننده رشد پایدار برخورد شود و راهبردهای برنامه به گونه‌ای انتخاب شود که خطرپذیری‌ها و ناطمینانی‌های تحقق اهداف آن به حداقل برسد. بررسی عملکرد اقتصاد ایران نشان می‌دهد که افزون بر پایین بودن معدل عملکرد متغیرهای مهم، اقتصاد ایران نوسان‌های بالایی نیز دارد. ریشه عملکرد پایین و نوسانی بودن آن به دو عامل اصلی یعنی سیاست‌های اقتصادی نامناسب و تکانه‌های ناشی از تحریم‌های خارجی برمی‌گردد.

وجه مشترک این دو عامل، ریشه در چگونگی استفاده از منابع نفتی دارد. وابستگی درآمد دولت و درآمد ارزی کشور به درآمد نفت مشکل اصلی کشور است و تا موقعی که راه‌حلی برای آن پیدا نشود، ناپایداری در اقتصاد ایران تداوم خواهد یافت. ساختار درآمدی دولت را باید هم از حیث افزایش مقدار و هم کاهش نوسانات ارتقاء داد و بنگاه‌های اقتصادی را به سمت ارتقای تولید هدایت کرد (کامفیروزی، ۱۳۹۳).

آخرین مرحله از نمودار ISM که نشان‌دهنده تأثیرپذیرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است، عبارت از اشتغال پایدار، حمایت از تولید ملی و کاهش آسیب‌پذیری در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی می‌باشد. به‌دیگرسخن، حاصل برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های بنیادی از جمله مردمی کردن اقتصاد و اقتصاد دانش‌بنیان و کاهش وابستگی به نفت به رونق تولید ملی، اشتغال‌زایی و کاهش آسیب‌پذیری داخلی و خارجی از جمله تورم، بیکاری و تحریم می‌انجامد.

حمایت از تولید ملی و کالای ایرانی موجب افزایش اشتغال و کاهش بیکاری، تقویت بنیان‌های اقتصاد مقاومتی، افزایش صادرات، کاهش تورم از طریق جذب نقدینگی‌های سرگردان در جامعه و تقویت روحیه خودباوری مردم می‌شود. حمایت از تولید ملی مستلزم حرکتی سه‌جانبه است. تولید رقابت‌پذیر، ارتقای بهره‌وری و کیفیت و عرضه محصولات مرغوب بر عهده تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان ایرانی با کیفیت و تشویق تولیدکنندگان و عزم ملی مبتنی بر حمایت کالای ایرانی بر عهده مصرف‌کنندگان و سرانجام حمایت‌های بانکی، بیمه‌ای و گمرکی و تعرفه از یکسو و رفع موانع فعلی و بهبود فضای کسب و کار و زدودن مقررات زاید از وظایف دولت است.

این مطلب بیشتر بر نتایج تحقیق صحنه می‌گذارد؛ زیرا مؤلفه حمایت از تولید ملی هم به‌عنوان عامل تأثیرپذیر و هم به‌عنوان عامل اثرگذار در فرایند اقتصاد مقاومتی شناخته شد. یکی از نظریات در زمینه اجرای اقتصاد مقاومتی و افزایش تاب‌آوری اقتصادی این است که این مهم باید در دو مرحله انجام شود: مرحله نخست، اصلاح ساختارها و فرایندهای موجود در بخش‌های مختلف مرتبط با اقتصاد کشور و مرحله دوم تلاش برای افزایش تاب‌آوری آن است. در همین موضوع نظریه دیگری بیان می‌کند که اهداف اجرای اقتصاد مقاومتی افزون بر افزایش تاب‌آوری آن، سالم‌سازی هم‌زمان فرایندها و سازوکارهای درونی آن نیز می‌باشد. بنابراین، تدوین برنامه لازم برای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، مستلزم اصلاح ساختاری اقتصاد است. همچنان که در ادبیات اقتصاد مقاومتی مطرح شده، یکی از پیش‌نیازهای اصلی موفقیت، داشتن یک اولویت‌بندی و زمان‌بندی در اجرا و مدیریت صحیح پروژه‌ها می‌باشد. آشکار است که وجود نداشتن یک اولویت‌بندی در اجرای سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی به تعیین تولید و اشتغال به‌عنوان اولویت اصلی در این شرایط توسط مقام معظم رهبری منجر شد که امید می‌رود اجرای دقیق آن در دستور کار همه مسئولان و مردم قرار گیرد (عرب‌مازار، ۱۳۹۶).

منابع

۱. آذر، عادل و فرزانه خسروانی (۱۳۹۲)، تحقیق در عملیات نرم رویکردهای ساختاردهی، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
۲. بیات، محسن (۱۳۹۶)، «تجربه تحریم، راهبردی برای شناخت آسیب‌پذیری‌ها و تحقق اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران»، راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۸۴، ص ۷۷-۱۰۸.
۳. بیانات مقام معظم رهبری، جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.
۴. پناهی‌فر، فرهاد (۱۳۹۶)، پروژه سمینار مدیریت تکنولوژی (تکنیک‌های روش ISM).
۵. ترابزاده جهرمی، محمدصادق و سیدعلیرضا سجادیه (۱۳۹۲)، «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، دوره دهم، شماره ۳۲، ص ۳۰-۳۳.
۶. تقی‌لو، حجت و علی اسدی (۱۳۹۴)، مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی، کنفرانس جامع اقتصاد مقاومتی، تهران.
۷. دانش جعفری، داود و سمانه کریمی (۱۳۹۴)، «نفت، برنامه ششم توسعه و اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره ششم.
۸. ردادی، علی؛ سیدعلی نجفی و امیر آذرفر (۱۳۹۵)، «الگوسازی روابط ساختاری مفاهیم سازنده اقتصاد مقاومتی با استفاده از رویکرد ساختاری-تفسیری».
۹. سلطانی‌فر، محمد (۱۳۹۶)، «گفتمان‌سازی رسانه‌ای اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، سال ششم، شماره بیست و سوم، ص ۳۲-۳۶.
۱۰. سرخه‌دهی، فاطمه و ریحانه نادری‌نژاد (۱۳۹۵)، «اقتصاد مردمی نقطه مشترک اقتصاد مقاومتی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۱۱. سیف، اله مراد (۱۳۹۱)، «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، آفاق امنیت، سال پنجم، شماره ۱۶، ص ۴۳-۴۵.
۱۲. شعبانی، احمد و سیدرضا نخلی (۱۳۹۳)، مبانی، الزامات و نقشه راه اقتصاد مقاومتی، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۳. عرب‌مازار، عباس (۱۳۹۶)، «اقتصاد مقاومتی: استراتژی ملی پیشرفت و توسعه»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفدهم، شماره ۶۶، ص ۲۵-۲۲.

۱۴. فشاری، مجید و جواد پورغفار (۱۳۹۳)، «بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومی در اقتصاد ایران»، مجله اقتصادی، شماره ۵، ص ۲۹.
۱۵. کامفیروزی، محمدحسن (۱۳۹۳)، «نفث در الگوی اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۵۲، ص ۳۰-۳۸.
۱۶. مهربد، شیرین (۱۳۹۴)، «اقتصاد مقاومتی و دانش محوری»، اولین همایش بین‌المللی حسابداری، حسابرسی و مدیریت، هتل بین‌المللی آسمان اصفهان.
۱۷. مروری بر سیاست‌های علم، فناوری و نوآوری جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶). گزارش معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری ایران.
۱۸. نوفرستی، محمد (۱۳۹۵)، «اقتصاد مقاومتی و راه‌های دستیابی به آن»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان سال چهارم، ویژه‌نامه اقتصاد مقاومتی، ص ۴۰-۴۸.
19. Briguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N. and Vella, S., (2014), "Economic Vulnerability and Resilience: concepts and Measurements", *Research paper NO.55*, United Nations, University-WIDER, Helsinki.
20. Broadbrigg, Angela and Raikes, Luke (2014), *Building Economic Resilience*, IPPR North.
21. 16. Fisal, M., Banwet, D. K. and Shankar, R. (2006), "Supply chain risk mitigation: modeling the enablers", *Business process Management*, 12(4): 535-552.
22. Greenham, T., Cox, E. and Ryan Colins, J. (2013), *Mapping Economic Resilience*, York: Friends Provident Foundation.
23. Hopkins, R. (2010), *Localization and Resilience at the Local Level*, The case of Transition Town Totnes.
24. lino Briguglio and et.al (2008), "Economic vulnerability and Resilience: concepts and Measurement", *UNU world Institute for Development Economics Research*, paper NO.55.
25. Rose, A., and Krausmann, E., (2013), *An economic framework for the development of a resilience index for business recovery*.
26. Rose, A (2015), *Defining and Measuring Economic Resilience to Disasters*, *Disasters prevention and Management*, 13, (4).
27. Warfield. J.W., (1974), *Developing interconnected matrices in structural modeling*, IEEE transcript on system, Man and Cybernetics.